

بسیج و اصلاحگری حسینی

نویسنده: عبدالله عمیدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۰/۴/۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۰/۶/۸

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال پانزدهم، شماره ۵۶، پاییز ۱۳۹۱

چکیده

حضرت امام حسین(ع) با نهضت خود امری از دین را احیا کرد و پیروان واقعی او باید همواره به او تاسی کنند تا جامعه اسلامی در مسیر صحیح دین حرکت کند. اصلاح دین و زدودن بدعت‌ها، کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌ها و شناسایی و معرفی چهره‌های ناسالم قرار گرفته در مصادر امور به امت اسلامی برای حذف آنان از گردونه انتخاب، که حرکت جامعه را به انحراف و مسیر ناسالم سوق می‌دهند، از وظایف امت اسلامی است.

بسیج، از آنجا که برآمده از فرهنگ عاشورا است و در حساس‌ترین برهه تاریخی انقلاب، با معیارهای عاشورایی، از آن دفاع کرده است، باید همواره فرهنگ عاشورایی خود را زنده نگه داشته و از حقایق آن بهره‌مند باشد تا بتواند هم به منزله شاخص و معیار عمل دیگران موجب اصلاح حرکت باشد و هم آن‌گاه که تشخیص می‌دهد انحراف و بدعتی وارد دین و جامعه شده است با روش و ابزارهای خود در پی زدودن آن برآید.

واژگان کلیدی:

عاشورا، اصلاح، بسیج، جامعه اسلامی، فرهنگ حسینی



ضرورت و اهمیت مسئله

فلسفه وجودی پدیده‌ها انتظاراتی ایجاد می‌کند که اگر با آن بیگانه شوند، از کارکرد خود خارج شده و گاه به ضد خود تبدیل خواهند شد. تفکر و عمل بسیجی با رجوع به فرهنگ نهضت عاشورای اباعبدالله الحسین (ع) و برای انجام وظایف آن نهضت در این زمان به جریان افتاد - مبارزان انقلابی در دوران مبارزه که الگوی شکل‌گیری بسیج شدند- و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شکل گرفت، قد کشید و در استقرار نظام اسلامی و برهه دفاع مقدس نقش عاشورایی خود را به نحو مطلوب، که مورد رضایت ولی امر مسلمین واقع شد، انجام داد و در تداوم مسیر انقلاب به نقش‌هایی که از آن انتظار می‌رفت عمل کرد. اما امروز و فردا که حساسیت توطئه‌های نظام سلطه پیچیده شده و از درهم تنیدگی‌های غامضی برخوردار است، بسیج باید با نگاه به خاستگاه و اهداف غایی، آمادگی عاشورایی خود را به‌روز کرده و با ظرافت، دقت و تأمل مضاعف به ادای تکلیف بپردازد.

از این رو، لازم است با الگو قرار دادن فرهنگ عاشورا و تطبیق فرهنگ حاکم با آن، ضمن اصلاح اشتباه و خطاهای احتمالی موجود در فرهنگ و سازمان خود، به اصلاح مسیر نظام بپردازد تا سرزندگی عاشورایی همچنان بر آن حاکم بوده و اهداف پیش روی خود را تسخیر نماید و در مقابل دسیسه‌های نظام سلطه و عقبه‌های داخلی آن، به‌موقع و به‌درستی، اقدامات لازم را انجام دهد.

بسیج افتخار دارد که پیرو مکتب عاشوراست... در واقع از ظهر عاشورا یک جریانی در تاریخ شروع شد، که همچنان رو به افزایش و گسترش است. بعد از این هم، همین خواهد بود. امام حسین (ع) برای اعلای کلمه حق و برای نجات خلق، همه داشته‌های خود را به میدان آورد... بسیج، همین راه است؛ همین حرکت است؛ همین هدف‌هاست؛ همین ابزارها و وسیله‌هاست. بسیج، جمع فداکاری از مردم‌اند، برای مردم؛ تشکیل یک مجموعه‌ای در حرکت عظیم یک ملت مجاهد. حضور در دفاع، حضور در علم، حضور در هنر، حضور در سازندگی، حضور در سیاست، در فرهنگ، در کمک به مستضعفان، در کمک به درماندگان، در تولید، در فناوری، در پیشبرد مسائل گوناگون کشور، در ورزش، در درخشش‌های بین‌المللی، در هر کار خیر؛ این حرکت بسیج است؛ حرکتی مردمی، برای مردم، در دل مردم، از خود مردم؛ از همه قشرها، زنان، مردان، جوانان، پیران، نوجوانان، از اصناف گوناگون؛ یعنی تشکیل یک مجموعه حزب‌الله واقعی.



... فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعه معرفت‌ها و روش‌ها و منش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کننده حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار نمونه بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۰/۹/۶)

بیان مسئله

از دامن حوزه‌های علمیه، که میراث تاریخی اسلام است - اسلامی که نهضت حضرت اباعبدالله الحسین(ع) آن را بیمه کرده است- نهضتی شکل گرفت که با رهبری مردی از تبار رسول‌الله(ص) هدف خود را اصلاح جامعه و ایجاد حکومت و جامعه اسلامی اعلام کرد.

در این نهضت، افرادی با الگو قرار دادن حضرت امام حسین(ع) و یاران عاشورایی آن حضرت، برای تحقق اهداف خود جانفشانی نمودند و برخی از آنها تا شهادت پیش رفتند. سرانجام که انقلاب اسلامی به عنوان ثمره آن نهضت به پیروزی رسید و نظام جمهوری اسلامی مستقر شد، دشمنان به مرزهای فکری و جغرافیایی آن هجوم آوردند. از این رو، دفاع با اعتقاد عاشورایی، که رویه این افراد و مبارزان انقلابی بود، به سرعت در سطح آحاد جامعه گسترش یافت و موجب شکل‌گیری فرهنگ و سازمانی به نام بسیج گردید.

بعد از اتمام جنگ، جامعه و نظام جمهوری اسلامی با فراز و فرودهای مختلفی روبه‌رو شد و بسیج، به حسب فلسفه وجودی و اهداف غایی خود، در برخی از آنها وارد شد و نقش آفرینی کرد. اکنون نیز، که «نظام و جامعه» در وضعیت خاصی قرار دارد، انتظار می‌رود بسیج با بازخوانی خود در فرهنگ عاشورا- که اطاعت عاشقانه از ولایت اساس آن است- در این زمینه به وظیفه تاریخی خود عمل نماید.

توجه به مقوله اصلاحگری حسینی از سوی بسیج می‌تواند در این مقطع کمک بزرگ و برجسته‌ای به حرکت صحیح انقلاب و نظام جمهوری اسلامی باشد. چالش‌هایی که توانایی آسیب‌رسانی جدی به حرکت انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را دارند و به زبان عام اجتماعی عبارت‌اند از:

- قوم و قبیله گرایی در سیاست؛
- قوم و قبیله گرایی در اقتصاد؛
- فرهنگ اشرافی‌گری و راحت‌طلبی؛
- کم‌رنگ‌سازی فرهنگ و روحیه ایثار، فداکاری و از خود گذشتگی؛



- بی‌توجهی به فرهنگ دینی و ملی در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی و اجتماعی؛
- فردگرایی در مدیریت و بی‌توجهی به نظر و رأی افراد صلاحیت‌دار؛
- تلاش برای تصاحب سرمایه‌های ملی.

اگرچه آحاد جامعه همواره، به‌ویژه در مقاطع سرنوشت‌ساز، در نسبت با ولایت امر که اطاعت نتیجه آن است، خود را حاضر در میدان نشان می‌دهند و حرکت کلان انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را در مسیر خود هدایت و حمایت می‌کنند، با شکل‌گیری بدعت‌ها و انحراف‌ها، از طرفی آهنگ پیشرفت نظام کند شده و از دیگر سو بیم آن می‌رود که این کج‌روی‌ها، موجب انحراف انقلاب از مسیر اصلی خود شود.

با توجه به این شرایط، این مقاله تلاش دارد ضمن بازخوانی موضوع اصلاحگری در نهضت امام حسین(ع)، به وظایف و کارکردهای اصلاحگری حسینی بسنج بپردازد.

عاشورا و اصلاحگری حسینی

حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در فرصت‌های مختلف به بیان علت حرکت و نهضت خود اشاره‌های صریح و مستقیم دارند. ایشان در بخشی از نامه‌ای که به مردم و بزرگان بصره نوشته‌اند می‌فرمایند:

... من هم‌اکنون پیک خود را با این نامه به سوی شما فرستادم و من شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش(ص) دعوت می‌کنم، در حالی که سنت پیامبر(ص) در جامعه مرده و بدعت‌ها زنده شده است، پس اگر گوش به سخنان من بسپارید و دستور مرا اطاعت کنید، شما را به راه رستگاری هدایت می‌کنم. درود خدا و رحمت او بر شما باد... (دستی ۱۳۸۱: ۲۰۶).

حضرت در وصیتی که نزد برادر بزرگوارش، محمد بن حنفیه، می‌سپارد این‌گونه می‌فرمایند:

قیام من بر مبنای تمایلات نفسانی نیست، من به منظور طغیان و فساد و تباهی و ستم خروج نمی‌کنم، بلکه انگیزه‌ام اصلاح امت جدم رسول خداست و مقصود و منظورم امر به معروف و نهی از منکر است (عالمی ۱۳۷۸: ۱۳).

حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در منزل ذی‌حسم و در برخورد با حر و سپاهیان

نیز فرمودند:



مگر نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌شود؟ مؤمن باید برای اجرای این مهم مشتاق دیدار پروردگارش باشد. (همان: ۱۳). معرفی آموزه‌های زلال و روشن اسلام به آحاد جامعه و پاکسازی جامعه از انحراف، در دوره‌ای که بدعت‌ها و انحراف‌ها حاکم شده و آموزه‌های دینی آمیخته به آیین‌های جاهلی و نفسانی رواج پیدا کرده است، کاری بزرگ و نیازمند هزینه‌ای سنگین است.

دو نوع انحراف داریم؛ یک وقت مردم فاسد می‌شوند، خیلی وقت‌ها چنین چیزی پیش می‌آید، اما احکام اسلامی از بین نمی‌رود؛ لیکن یک وقت مردم که فاسد می‌شوند، حکومت‌ها هم فاسد می‌شوند. علما و گویندگان دین هم فاسد می‌شوند. از آدم‌های فاسد، اصلاً دین صحیح صادر نمی‌شود. قرآن و حقایق را تحریف می‌کنند. خوب‌ها را بد، بد‌ها را خوب، منکر را معروف و معروف را منکر می‌کنند. خطی را که اسلام مثلاً به این سمت کشیده است، صد و هشتاد درجه به سمت دیگر عوض می‌کنند.

اگر جامعه و نظام اسلامی به چنین چیزی دچار شد، تکلیف چیست؟ البته پیغمبر فرموده بود که تکلیف چیست. قرآن هم فرموده است: «مَنْ يَرْتَدِمَنَّكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهَ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ، هر کس از شما از دینش برگردد، خدا به زودی جمعیتی را به عرصه می‌آورد که دوستشان دارد و دوستش می‌دارند (مائده / ۵۴)» (خامنه‌ای ۱۳۹۱: ۱۴۹)

بازگرداندن جامعه به مسیر صحیح و حاکم کردن فرهنگ اصیل اسلام بر جامعه، واجبی است که در قالب امر به معروف و نهی از منکر تجلی می‌یابد. اسلام، از آنجا که دین آخرالزمانی و کامل است، همه نیازهای لازم یک جامعه سالم را فراهم ساخته و راهکارهای منتهی‌شونده به رضایت حضرت حق را ارائه کرده است.

در زمان امامت حضرت اباعبدالله الحسین (ع)، پس از مرگ معاویه، انحراف به اوج خود رسید و زمینه و فرصت برای اجرای حکمی به نام امر به معروف و نهی از منکر، که جراحی عمیقی بر پیکره اسلام بود، فراهم شد.

... معارف حسینی، بخش عظیمی از معارف شیعه است. این پایه مهمی است و خود، یکی از پایه‌های اسلام است. پس هدف عبارت شد از بازگرداندن جامعه اسلامی به خط صحیح، چه زمانی؟ آن وقت که راه، عوضی شده است و جهالت و ظلم و استبداد و خیانت کسانی مسلمین را منحرف کرده و زمینه و شرایط هم آماده است. البته دوران تاریخ، اوقات مختلفی است.



گاهی شرایط آماده است و گاهی آماده نیست. زمان امام حسین آماده بود. زمان ما هم آماده بود. امام همان کار را کرد. هدف یکی بود. منتها وقتی انسان به دنبال این هدف راه می‌افتد و می‌خواهد علیه حکومت و مرکز باطل قیام کند، برای اینکه اسلام و جامعه و نظام اسلامی را به مرکز صحیح خود برگرداند، یک وقت است که وقتی قیام کرد به حکومت می‌رسد؛ یک وقت است که این قیام به حکومت نمی‌رسد به شهادت می‌رسد؛ آیا در این صورت، واجب نیست؟ چرا، چرا به شهادت هم برسد واجب است. آیا در این صورتی که به شهادت برسد، دیگر قیام فایده‌ای ندارد؟ چرا، هیچ فرقی نمی‌کند. این قیام و این حرکت در هر دو صورت فایده دارد، چه به شهادت برسد، چه به حکومت، منتها هر کدام یک نوع فایده دارد، باید انجام داد؛ باید حرکت کرد (همان: ۱۵۲ و ۱۵۳)

مسئولیت اجتماعی بر عهده همه افراد مؤمن و آگاه است، هنگامی که کجی و ناسلامتی در حرکت جامعه و در حاکمان و مؤثران بر جامعه احساس شد، باید به مسئولیت اجتماعی خود عمل نمایند.

حسین(ع)، به لحاظ موقعیت اجتماعی‌اش، خود را در برابر امت اسلامی مسئول می‌بیند تا در مقابل ظلم و بیدادگری، که از ناحیه حکومت اموی بر امت وارد می‌شود، به دفاع برخیزد. گرچه این مسئله وظیفه هر فرد مسلمانی است، ولی به طور طبیعی در مورد امام حسین(ع)، با توجه به امامت او از یک سو و انتسابش به پیامبر از سوی دیگر، تأکید بیشتری می‌کند و توقع جامعه اسلامی را بیشتر برمی‌انگیزد، و امام(ع) این مسئولیت را احساس می‌کرد و سکوت در برابر جنایات یزید را جایز نمی‌شمرد. از این رو، برای ایفای این مسئولیت بزرگ و خطیر به‌پا خاست تا آنکه شخص شخیص خود و همه اهل بیتش را در این راه فدا کرد و عدالت اسلامی و حکومت قرآن را در میان مردم به اجرا درآورد (عالمی ۱۳۷۸: ۷۰۶).

بازگرداندن جامعه به مسیر صحیح و اصیل اسلامی، پیش‌گیری از نهادینه شدن کجی و ظلم‌پذیری در جامعه، از اهداف بزرگ و برجسته قیام حضرت امام حسین(ع) است که هر فرد حسینی باید خود را به آن مزین سازد.

«حسین بن علی (علیهما السلام) درس غیرت به مردم داد، درس تحمل و بردباری به مردم داد، درس تحمل شدائد و سختی‌ها به مردم داد. اینها برای ملت مسلمان درس‌های بسیار بزرگی بود. پس اینکه می‌گویند حسین بن علی (علیهما السلام) چه کرد و چطور شد که دین اسلام زنده شد، جوابش همین است که حسین بن علی



روح تازه دمید، خون‌ها را به جوش آورد، غیرت‌ها را تحریک کرد، عشق و ایده‌آل به مردم داد، حس استغناء در مورد مردم به وجود آورد، درس صبر و تحمل و بردباری و مقاومت و ایستادگی در مقابل شدائد به مردم داد، ترس را ریخت، همان مردمی که تا آن مقدار می‌ترسیدند، تبدیل به یک عده مردم شجاع و دل‌آور شدند. این داستان معروف است، می‌گویند: نادر در یکی از جنگ‌هایش سربازی را دید که فوق‌العاده شجاع و دلیر بود، و از شجاعت و دل‌آوری او اعجاب می‌کرد. یک روز او را خواست، گفت تو با این شجاعت و دل‌وریت، آن روزی که افغانه ریختند به اصفهان غارت کردند و کشتند کجا بودی؟ گفت: من اصفهان بودم گفت: تو اصفهان بودی و افغانه آمدند و آن‌همه جنایت کردند؟ گفت: بله بودم، گفت: پس آن روز شجاعتت کجا بود؟ گفت: آن روز نادری نبود. مقداری از شجاعتی که امروز من دارم، از روحیه نادر دارم، تو را که می‌بینم، غیرت من تحریک می‌شود، شجاع و دلیر و دل‌آور می‌شوم؛ اینکه من تأکید می‌کنم که حماسه حسینی و حادثه کربلا و عاشورا باید بیش از این جنبه مورد استناد ما قرار بگیرد، به خاطر همین درس‌های بزرگی است که این قیام می‌تواند به ما بیاموزد. من مخالف رثاء و مرثیه نیستم، ولی می‌گویم این رثاء و مرثیه باید به شکلی باشد که در عین حال آن حس قهرمانی حسینی را در وجود ما تحریک و احیاء کند.» (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۷۵).

انقلاب عاشورایی امام خمینی رحمت‌الله‌علیه

انقلاب اسلامی با رجوع به اصل ثابت و کلمه کامل اسلام شکل گرفت و در شعار و عمل نیز بدان پرداخت. زمینه تاریخی انقلاب، مبارزه سلسله‌ای علمای اسلام تا دوران ائمه اطهار (ص)، است.

مبنای انقلاب اسلامی در بیان حضرت امام، که رهبری آن را از آغاز تا پیروزی و تثبیت آن بر عهده داشته، کتاب رسول‌الله (ص) است و ایشان می‌فرمایند:

خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: فقط یک موعظه - همه موعظه‌ها را حالا. یک موعظه - من دارم. پیغمبر اکرم واسطه، خدا واعظ، ملت متعظ. من فقط یک موعظه بیشتر ندارم. اِنَّمَا أَعْظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ. اینکه برای خدا قیام کنید؛ وقتی که دیدید که دین خدا در معرض خطر است، برای خدا قیام کنید. امیرالمؤمنین می‌دید که دین خدا در خطر است، معاویه دارد و ارونه می‌کند دین خدا را، برای خدا قیام کرد. سیدالشهدا هم همین‌طور برای خدا قیام کرد. هر وقت دیدید این یک مطلبی است که



برای یک وقت نیست؛ موعظه خدا همیشگی است. هرقت دیدید که بر ضد اسلام، بر ضد رژیم انسانی - اسلامی - الهی خواستند قیام کنند، خواستند وارونه کنند مسائل اسلام را، به اسم اسلام، اسلام را بکوبند، اینجا لله باید قیام کرد و نترسید از اینکه شاید نتوانیم، شاید شکست بخوریم؛ شکست تویش نیست... (صحیفه امام، ج ۸: ۱۰).

مبنای امام برای انقلاب اسلامی این موعظه الهی است که از سوی پیامبر(ص) بیان شده که همانا امر به قیام به نام اسلام در اسلام و جامعه اسلامی نموده است. قیام برای خدا؛ یعنی هنگامی که کلمه کامل اسلام در معرض خطر قرار می‌گیرد، باید قیام کرد به اصلاح. ایشان قیام حضرت امیر(ع) و قیام حضرت اباعبدالله الحسین(ع) را با استفاده از نص صریح قرآن این‌گونه معرفی می‌کنند و قیام حضرت ایشان نیز در ادامه همین مسیر و برای اقامه اصل ثابت و کلمه کامل اسلام است.

الگوهای رفتاری در قیام حضرت امام خمینی(ره) نیز رجوع به الگوهای رفتاری در قیام حضرت امیر(ع) و حضرت امام حسین(ع) دارد. بیان اهداف برای عموم، دعوت از عموم برای مشارکت در قیام و قیام عمومی علیه انحرافی که رخ داده است، آغاز حرکت با تبیین اهداف و علت برپایی حرکت و در حین حرکت نیز همراه با تبیین اهداف و مسیر در چارچوب قواعد قوام‌بخش اصل ثابت اسلام، روش و منش عاشورایی امام امت است.

من در پاریس که بودم بعضی خیراندیش‌ها می‌گفتند که نمی‌شود دیگر! وقتی که نمی‌شود باید چه کرد؟ باید یک قدری... گفتم ما تکلیف شرعی داریم عمل می‌کنیم و مقید به این نیستیم که پیش ببریم. برای اینکه آن را ما نمی‌دانیم، قدرت‌ش را هم الان نداریم، اما تکلیف داریم. ما تکلیف شرعی خودمان را عمل می‌کنیم. من این‌طور تشخیص دادم که باید این کار را بکنیم. اگر پیش بردیم، هم به تکلیف شرعی عمل کرده‌ایم هم رسیده‌ایم به مقصد. اگر پیش نبردیم، به تکلیف شرعی مان عمل کرده‌ایم (همان).

تکلیف‌محوری در میدان عمل و انجام دادن آنچه وظیفه و مسئولیت است، بیت رفیع شعر قیام حضرت اباعبدالله الحسین(ع) است که الگوی تمام‌عیار انقلاب اسلامی، شهدا، فداکاری و ایثار بسیجیان است. اگر تابلوی روشن و پرتلاؤ عاشورا نبود، رخ نمودن انقلاب اسلامی و پایداری رهروان راه امام خمینی(ره) ممکن نمی‌شد.



بسیج عاشورایی

راه شناخت صحیح بسیج و خاستگاه آن، که بتواند تحلیل دقیق و صریحی در امتداد تاریخی آن ارائه نماید، کلام و بیان ولایت است. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرماید:

بزرگان اسلام ما در راه حفظ اسلام و احکام قرآن کریم کشته شدند، زندان رفتند، فداکاری‌ها کردند تا توانستند اسلام را تا به امروز حفظ کنند و به دست ما برسانند. امروز وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین می‌باشد، برای تحمل هرگونه ناملایمات آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلوی اغراض و مطامع آن‌ها را بگیریم... (امام خمینی ۱۳۸۰: ۱۹۵).

در همین زمینه، که موجب شکل‌گیری فرهنگ ایثار و شهادت می‌شود، حضرت امام می‌فرمایند:

... ناراحت و نگران نشوید، مضطرب نگردید، ترس و هراس را از خود دور کنید. شما پیرو پیشوایانی هستید که در برابر مصایب و فجایعی صبر و استقامت کردند، که آنچه ما امروز می‌بینیم نسبت به آن چیزی نیست. پیشوایان بزرگوار ما، حوادثی چون روز عاشورا و شب یازدهم محرم را پشت سر گذاشته‌اند و در راه دین خدا یک چنان مصایبی را تحمل کرده‌اند... (همان). حضرت امام (ره)، در بیانی صریح، بسیج را دارای ریشه تاریخی در صدر اسلام می‌داند و می‌فرماید:

قضیه بسیج، همان مسئله‌ای است که در صدر اسلام بوده است. وقتی جنگ می‌شد، طوایف مختلف می‌آمدند و به جنگ می‌رفتند و این مسئله جدیدی نیست و در اسلام سابقه داشته است؛ و چون مقصد ما اسلام است، باید هر جوانی یک نیرو باشد برای دفاع از اسلام؛ و همه مردم و هر کس در هر شغلی که هست، مهیا باشد برای جلوگیری از کفر و الحاد و هجوم بیگانگان (همان: ۱۵۵).

و آنجا که کلام حضرت امام (ره) در اوج جذابیت حضور، کارکرد و شیدایی، پیش از هجران و وصال یار در دیار باقی، بهانه می‌یابد که به مناسبت هفته بسیج ماهیت وجودی بسیج را وصف کند، این‌گونه می‌نگارد:

بسیج، میقات پابرهنگان و معراج اندیشه پاک اسلامی است که تربیت‌یافتگان آن، نام و نشان در گمنامی و بی‌نشانی گرفته‌اند. بسیج لشکر



مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا نموده‌اند (همان: ۱۵۶).

بسیجیان در جبهه، که برایشان بستری مناسب و طریقی قریب برای وصال حسینی فراهم شده بود، چنان وجد و نشاط عرفانی آفریدند که حضرت ایشان درباره آن فرمودند:

آخر مطلب شهادت است و وصول به لقاءالله و حضور در محضر حضرت سیدالشهدا و امثال او، و این غایت آمال اشخاصی است که عشق به خدا دارند و ما می‌بینیم در جبهه‌ها که این جوان‌های عزیز در جبهه‌ها شب چه حالی دارند، چه ذکر و دعایی دارند و نمازی، و روز با چه نشاطی به جبهه‌ها می‌روند. این چیزی است که خدای تبارک و تعالی، نعمتی است که خدای تبارک و تعالی به این ملت عطا فرموده است. این نعمت را حفظ کنید (همان). همچنین رهبر معظم انقلاب در وصف حقایق حضور بسیج در جبهه می‌فرمایند: در دوران جنگ تحمیلی، بسیج درخشید، عالی‌ترین مضامین انسانی در بسیج معنا شد و تجسم یافت، پرجاذبه‌ترین جلوه‌های هستی در بسیج خود را نشان داد؛ در دنیایی که خودخواهی و خودپرستی و حرص و هوای نفس اغلب حوادث آن را رقم می‌زند، بسیج مظهر عشق و ایثار و فداکاری و گذشت و نگاه حکیمانه یک جوان به عالم وجود شد... (خامنه‌ای ۱۳۸۲: ۴۹ و ۵۰). همچنین حضرت ایشان در پیوند بسیج با عاشورا می‌فرمایند:

امروز مقارن با اول محرم است. تناسبی هست میان هویت و حقیقت بسیج با هویت محرم و عاشورا. بسیج افتخار دارد که پیرو مکتب عاشوراست... (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اқشار نمونه بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۰/۹/۶). تمام حیات و نقش‌آفرینی‌های بسیج در اطاعت از ولایت است، ولایتی که در امتداد عاشوراست و با نهضت عاشورا زنده مانده است.

قد کشیدن مقاوت هشت ساله بر دوش بسیج از همین اطاعت سر چشمه دارد، بسیج که محور مقاومت تاریخی ملت در دفاع مقدس به شمار می‌رود، تنها به دلیل اطاعت عاشورایی از حسین زمانه خود موفق به خلق این افتخار شد که امروز بیداران جهان از آن الگو گرفته‌اند.

حضور بسیج در تمام عرصه‌های حیات سی و چهار ساله انقلاب اسلامی ریشه در ولایت مداری و اطاعت اعتقادی از ولایت دارد.

بسیج، که به فرموده حضرت امام همان مردم‌اند، - ... این سپاه مردم‌اند، این



بسیجی‌ها مردم‌اند.... باید برای مقابله با همهٔ حوادث، مشکلات و مسائلی که برای اسلام، انقلاب و کشور پیش می‌آید آماده و مهیا باشند. با هدف پیش‌برد اهداف اسلامی انقلاب، هر مشکلی که انقلاب و کشور را تهدید کند، وظیفهٔ بسیج است که با آن مقابله نماید.

حضرت امام(ره) در این باره می‌فرمایند:

البته یک ملتی که می‌خواهد در مقابل همهٔ قدرت‌ها بایستد، نمی‌خواهد سازش کند با بلوک غرب و نمی‌خواهد سازش کند با بلوک شرق و لاشرقیه و لاغریه می‌خواهد باقی بماند. می‌خواهد صراط مستقیم انسانیت و اسلامیت را پیش بگیرد. باید مهیا بشود از برای اینکه همهٔ پیشامدهایی که پیش آمده و خواهد پیش آمد، ما نباید گمان بکنیم که پیشامدها تمام شد (امام خمینی ۱۳۸۰: ۸۰).

پیشامدها و مسائل محدود به موضوعی مشخص و حوزه‌هایی خاص یا منحصر به فرد نیست، بلکه همهٔ پیشامدها و مسائلی که برای اسلام، انقلاب و ایران اسلامی تهدید تلقی شود را شامل می‌شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی در این باره می‌فرمایند:

آنچه که برای همهٔ ما، برای همهٔ بسیجیان عزیز، برای جوان‌ها در هر نقطه‌ای از این عرصهٔ عظیم که مشغول کار هستید، باید به عنوان شاخص مطرح باشد، عبارت است از این سه عنصر بصیرت، اخلاص و عمل به‌هنگام و به‌اندازه. این سه عنصر را همیشه با یکدیگر توأم کنید و در نظر داشته باشید. این عناصر سه‌گانه باید برای ما شاخص باشد؛ بصیرت، اخلاص، عمل به‌هنگام و به‌اندازه (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹).

انتظار از بسیج و بسیجیان عمق و گستره‌ای در حد یک فرهنگ تعالی‌بخش است؛ فرهنگی که هم بازدارنده از خطا و کج‌روی و بدعت و ناسلامتی در رفتارهای مختلف اجتماعی باشد و هم تضمین‌کنندهٔ حرکت مستقیم و پایدار اسلامی. فرهنگ بسیجی یعنی آن مجموعهٔ معرفت‌ها و روش‌هایی که می‌تواند مجموعه‌های عظیمی را در ملت به وجود بیاورد که تضمین‌کنندهٔ حرکت مستقیم و پایدار اسلامی آن ملت باشند. این یک تفکر است؛ در ذهن نیست، در خارج و در عینیت وجود دارد. حرکت بسیجی، سرنوشت ایران را، بلکه سرنوشت فراتر از ایران را تغییر داد، تعیین کرد. از روز اول، بسیجیان امام ما در میدان‌های گوناگون انقلاب تا پیروزی انقلاب و تا پس از انقلاب حرکتی کردند که ماندگار شد. الگو شد، یادگار ملت ایران در عرصهٔ تاریخ شد... (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار نمونهٔ بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۰/۹/۶).



این فرهنگ تاریخ‌ساز شامل همه عرصه‌های زندگی انسان می‌شود و هر میدانی را که دشمنان بیرونی و داخلی و غافلان خودی‌نما بخواهند با بدعت و کج‌روی‌هایشان اسلام و جامعه اسلامی و نظام اسلامی را تهدید نمایند دربر می‌گیرد.

... بسیج، جمع‌فداکاری از مردم‌اند، برای مردم؛ تشکیل یک مجموعه‌ای در حرکت عظیم یک ملت مجاهد. حضور در دفاع، حضور در علم، حضور در هنر، حضور در سیاست، در فرهنگ، در کمک به مستضعفان، در کمک به درماندگان، در تولید، در فناوری، در پیش‌برد مسائل گوناگون کشور، در ورزش، در درخشش‌های بین‌المللی، در هر کار خیر؛ این حرکت بسیج است؛ حرکتی مردمی، برای مردم، در دل مردم، از خود مردم، از همه قشرها، زنان، مردان، جوانان، پیران، نوجوانان، از اصناف گوناگون، یعنی تشکیل یک مجموعه حزب‌الله واقعی.

بسیج سیاسی است، اما سیاست‌زده نیست، جناحی نیست؛ بسیج مجاهد است. اما بی‌انضباط نیست، افراطی نیست؛ بسیج عمیقاً متدین و متعبد است، اما متحجر نیست، خرافی نیست؛ بسیج با بصیرت است، اما از خود راضی نیست؛ بسیج اهل جذب است - گفته‌ایم جذب حداکثری - اما اهل تسامح در اصول نیست؛ بسیج غیور است، پاسدار خطوط فاصل است؛ بسیج طرفدار علم است، اما علم‌زده نیست؛ بسیج متخلق به اخلاق اسلامی است، اما ریاکار نیست؛ بسیج در کار آباد کردن دنیاست، اما خود اهل دنیا نیست؛ این شد یک فرهنگ. (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار نمونه بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۰/۹/۶).

در اصلاح‌گری اجتماعی مورد نیاز امروز جامعه، از بسیج ولایت مدار که دارای فرهنگ عاشورایی است انتظار پیش‌تازی و نقش محوری می‌رود.

تحلیل یافته‌ها

مبنای نهضت حسینی - نهضت عاشورا بر اساس وحی الهی که در کتاب قرآن برای قیام‌الله بیان شده است شکل می‌گیرد. پس، عاشورا تدوام‌بخش «بعثت» و «غدیر» است که برای اصلاح جامعه و هدایت بشر تا رسیدن به کمال انسانی از سوی خداوند رخ داده است.

اگر نگوئیم هدف اصلی، لاقلاً می‌توان گفت که یکی از اهداف مهم و برجسته در نهضت عاشورا اصلاح نظام حاکم بر جامعه اسلامی و زدودن بدعت‌ها، کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌های شکل‌گرفته در فرهنگ دینی جامعه بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) است. (ر.ک. مطهری، ۱۳۶۸)



انقلاب عاشورایی - با وصف مستند تحقیق، انقلاب اسلامی بر اساس فرهنگ بسیجی مبارزان و با تأسی از نهضت امام حسین (ع) آغاز شد، سپس از سوی آحاد مردم بسیجی و با هدف اصلاح جامعه اسلامی ادامه یافت و پیروز گردید. در هجوم دشمنان - رژیم بعثی عراق - علیه نظام نوپای جمهوری اسلامی، به عنوان ثمره بزرگ انقلاب، که هدف آنان از تجاوز براندازی یا حداقل تغییر در اهداف و غایات انقلاب و نظام بود، دفع تجاوز و دفاع از آرمان‌های امام و انقلاب از سوی بسیج و بر مبنای فرهنگ عاشورایی انجام شد.

بسیج عاشورایی - بسیج، بر اساس فرهنگ عاشورا، موجب شکل‌گیری حرکت اصلاح فرهنگی در جامعه ایران و منطقه شده است که شکل‌گیری صفات اعتقادی-فرهنگی حضور، جهاد، شهادت، ایثار، مقاومت، بصیرت، آمادگی و... از ویژگی‌های آن است.

فلسفه وجودی بسیج و ذات فرهنگی آن، اصلاحگری بر مبنای اصول حاکم بر فرهنگ عاشورای حسینی است که برخی از آن اصول عبارت‌اند از: دین‌محوری، قیام لله، مردمی بودن، ولایت‌مداری، وظیفه و تکلیف‌گرایی، پایداری و مقاومت، شهادت‌طلبی، بیدارگری، اقدام به‌هنگام و...

نتیجه‌گیری

شکل‌گیری کج‌روی، بدعت، ناهنجاری و منش و خلق‌وخوهای تضعیف‌کننده باور عمومی به انقلاب و نظام مقدس اسلامی برای بسیج و بسیجیان تکلیفی اعتقادی - تاریخی و مسئولیتی انقلابی ایجاد می‌کند تا با روش اصلاحگری عاشورایی وارد میدان شوند.

این موارد چون می‌تواند به فرهنگ رفتاری تبدیل شود، می‌طلبد که اصلاح شود و بی‌شک جز با حضور و نقش‌آفرینی بسیج و بسیجیان عاشورایی امکان اصلاح آن فراهم نخواهد بود.

بسیج که نزدیک‌ترین فاصله را در تفکر، اندیشه و عمل با ولایت امر انقلاب اسلامی دارد، برای اصلاح و تضمین حرکت صحیح انقلاب و نظام باید راهکارهای لازم را تدبیر کرده و به انجام وظیفه اصلاحگری بپردازد.

بسیج در چارچوب ملاک‌های اصلاحی مورد تأکید ولایت امر - اصرار بر عدالت، مطالبه عدالت، مبارزه با فساد، تبعیض، طراحی الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی(که



نوعی اصلاحگری است)، سبک زندگی و...- وظیفه دارد شرایط برای تحرک اصلاح عاشورایی به نحو مطلوب فراهم سازد.

در این راستا سازمان بسیج باید با «دادن رخصت» و «ایجاد فرصت» به شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی بسیجیان اهتمام ورزد. گروه‌های اجتماعی بسیجیان که از روی اعتقاد و عاشقانه مقید به اطاعت از رهبری می‌باشند، می‌تواند دو هدف مهم و کلان را دنبال نماید.

الف) ترویج فرهنگ و رفتار اخلاقی سالم در رقابت‌های مختلف اجتماعی که در این بیست سال بعد از دفاع مقدس به شدت آسیب دیده است.

ب) فرایندسازی مناسب جهت رشد نخبگان و قرار گرفتن در جایگاه انتخاب عمومی برای تصدی مسئولیت‌های مختلف در نظام‌های اجرایی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، قضایی و اجتماعی در سطوح مختلف

گروه‌های اجتماعی بسیجیان، که با «استانداردسازی فرهنگ و رفتار» در فرایند «تربیت و آموزش» شکل می‌گیرند، یقیناً پاسخ‌گوی نیازهای مختلف اجتماع در حوزه‌های گوناگون خواهند بود.

با دادن رخصت و ایجاد فرصت به افراد بسیجی، که واجد این ویژگی‌ها و صلاحیت‌ها هستند، راه اصلاح امور در بخش‌های مختلف هموار و فرهنگ ارزشمند عاشورایی دوباره بر فضاها برنامه‌ریزی و مدیریتی جامعه حاکم خواهد شد. به عبارتی با «کشف و معرفی نخبگان» مختلف و چهره‌سازی اجتماعی از آن‌ها، راه برای افراد اهل، باز و همان راه بر افراد نا اهل و فرصت‌طلب، بسته خواهد شد.

گروه‌هایی مثل هیئت‌های عزاداری و روضه‌خوانی که با سوابق دیرینه و درخشان خود در حفظ و استمرار فرهنگ عاشورایی کمک نموده‌اند. با در نظر گرفتن سوابق و توفیق‌های هیئت‌های مذهبی می‌توان پذیرفت که گروه‌های اجتماعی بسیجیان نیز، که هویت عاشورایی دارند، خواهند توانست در اصلاح امور جامعه و پاسخ‌گویی به نیازهای آن موفق عمل نمایند.

کتابنامه

۱. امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۰). **بسیج در اندیشه امام خمینی (ره)**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۲. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۲). **بسیج و تفکر بسیجی در آیین نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله**، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت.
۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). **انسان ۲۵۰ ساله** (زندگی سیاسی - مبارزاتی ائمه معصومین علیهم‌السلام)، چ ۱۴، تهران: مؤسسه جهادی.
۴. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). **حماسه حسینی ج ۱**، تهران: صدرا، چ چهاردهم.
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). **حماسه حسینی ج ۲**، تهران: صدرا، چ پانزدهم.
۶. دشتی، محمد (۱۳۸۱). **فرهنگ سخنان امام حسین (ع)**، چ ۴، قم: مؤسسه انتشارات مشهور.
۷. **صحیفه امام (؟)**، ج ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۸. عالمی، محمدعلی (۱۳۷۸). **آنچه در کربلا گذشت** (حسین نفس مطمئنه، از مدینه تا کربلا)، چ ۴، تهران: شاهد.
۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اقشار نمونه بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۰/۹/۶.
۱۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با هزاران نفر از بسیجیان استان قم، ۱۳۸۹.
11. <http://www.khamenei.ir/>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی